

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و برزنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

میر حسین مهدوی

۲۴.۰۷.۱۰

یادداشت:

متصدیان محترم پورتال " افغانستان آزاد – آزاد افغانستان " سلام و احترامات تقدیم است، امیدوارم همه صحت مند باشید. مشاهده عنوان "در دفاع از وحدت افغانستان" در سایت شما و مطالعه مطالب مربوط به آن، باعث گردید تا این مصاحبه را که چند روز قبل با سایت "کابل پرس" انجام داده بودم، به غرض نشر خدمت شما نیز ارسال دارم، امید است مانعی در زمینه نشر مجدد آن وجود نداشته باشد

با کمال محبت

مهدوی

من عاشق افغانستان

با جغرافیای سیاسی فعلی اش هستم

یک: چرا مخالف تجزیه افغانستان هستید؟ (لطفا شرح دهید)

چون تجزیه را راه حل نمی دانم. اما اگر می پرسید که چرا تجزیه را راه حل مشکلات فعلی افغانستان نمی دانم، در این صورت ناگزیرم که با تفصیل بیشتر دلایل مخالفت خود را با تجزیه افغانستان بیان کنم. این دلایل می توانند به قرار ذیل باشند:

۱- اگر قرار باشد که افغانستان تجزیه شود، باید به کشورهایی چون پشتونستان، تاجیکستان، هزارستان و ازبکستان تقسیم شود. اما ملیت گرائی در هیچ کدام از این چهار گروه قومی، ملیت گرائی وابسته به خاک نیست. یعنی هزاره گرائی، گرایشی صرفا نسب و خون گرایانه است نه خاک محور. برای توضیح بیشتر باید بگویم که مثلا تاجیک بودن جغرافیای خاصی را در ذهن هیچ تاجیکی بر نمی انگیزد. به همین ترتیب هزاره بودن به معنی وابستگی های قومی و قبیله ای است نه جغرافیائی.

به بیان دیگر، ناسیونالیسم قبیله ای یک ناسیونالیسم احساسی و عاطفی است. از آنجائی که در جغرافیای مشخصی منحصر و محدود نمی شود، نمی تواند جغرافیا و سرزمینی را نیز تعریف کند. فرض کنید که طرح تجزیه افغانستان با موفقیت عملی گردید و چهار کشور مستقل به جای کشور فعلی افغانستان نشست، آیا در این صورت ما واقعا

هزارستان، تاجیکستان، پشتونستان و ازبکستان داریم؟ آیا هر پشتونی در هر کجا که باشد خود را نه به پشتونیت بلکه به جغرافیای تازه تولده شده ای به نام پشتونستان منسوب می داند؟ به نظر من پاسخ قطعا منفی است.

باید بین گرایش قومی (گرایشی که مثلا یک پشتون نسبت به اصل و نسب گروهی خود یا یک هزاره نسبت به گروه قومی خود دارد) و گرایش خاک محورانه (که یک فرد را به یک جغرافیای سیاسی خاصی وابسته می کند) تفاوت قایل شد.

۲- وقتی بتوان افغانستان را به پشتونستان، تاجیکستان، هزارستان و ازبکستان تجزیه کرد، به همین دلیل هم می توان اجزاء جدید را به بخش های کوچک تری تجزیه کرد. به چه دلیلی نباید آنرا به بخش های کوچک تری تجزیه کرد؟ مثلا هزارستان را می توان به بهسود، جاغوری و... تقسیم کرد و تاجیکستان را به پنجشیر و تخار و... و پشتونستان را به... وقتی معیار تقسیمات مناسبات خونی باشد، این تقسیم می تواند یک سلسله تقسیمات متوالی بی پایان باشد. و طبیعی است که از نظر سیاسی این سلسله تقسیمات بی پایان می تواند به معنی احتمال یک کشمکش درونی دایمی باشد.

۳- چه تضمینی وجود دارد که پس از تجزیه، جنگ های خونین تری بین چهار کشور تازه تأسیس به وجود نیاید؟ به عکس دلایل بسیار زیادی برای این جنگ ها وجود دارد و به نظر من این جنگ ها می تواند خیلی خاتمان برانداز تر هم باشد. در شرایط فعلی تمامی خشم ها و کینه ها به یک مرزی محدود می شود و آن هم حفظ یک پارچگی وطن واحدی به نام افغانستان است.

۴- اگر تقسیم با محوریت قومی و خونی صورت گیرد - چون این تنها راه حل موجود و مفروض می باشد- ذخایر ملی به صورت واقعا ظالمانه ای تقسیم خواهد شد. آیا هزارستان - که واقعا در محاصره برادران نا تنی دیروز و دشمنان قسم خورده آنروز خود قرار دارد- می تواند مشکلات اقتصادی خود را حل نماید؟ در این صورت هزارجات راه زمینی به هیچ یک از کشور های دیگر نخواهد داشت و در محاصره پشتونستان، ازبکستان و تاجیکستان خواهد بود. آیا همسایگانش - که تماما دشمنان قسم خورده اش می باشند- نه امکان رشد که حتی امکان زندگی عادی را به او خواهد داد؟

۵- تکلیف اقوام کوچک تر چه خواهد شد؟ هندوها و سک ها چه کار کنند؟ آیا یک هندوستان کوچکی در کنار کابل یا غزنی خواهیم داشت و یا اینکه به تمامی این افغان های اصیل باید بگوئیم که در تقسیم تازه کشور جایی برای آنان در نظر گرفته نشده است؟ با پشه ای ها و تمامی اقوام کوچک دیگر چه باید کرد؟ می بینید که تجزیه نه تنها می تواند مشکلات فعلی را کم کند بلکه مصایب و مشکلات ما را ده ها برابر کند.

نو: آیا پس از چندین دهه کشتار، چپاول، تبعیض و کوچ اجباری و تداوم آن، هنوز به ساختن افغانستان به عنوان یک کشور یکپارچه امیدوار هستید؟ اگر بله چرا؟

مهدوی: بله، مشکلات فعلی بیشتر ناشی از یک انجماد تاریخی در کشور ماست. این انجماد ما را در تمامی ابعاد زندگی عقب نگاه داشته است. چپاول و تبعیض و کوچ اجباری و ده ها مورد دیگر ناشی از انجماد تاریخی ماست. هیچ پشتونی دشمن هزاره به دنیا نیامده است. اگر امروز کوچی گری و تجاوز پیشه کرده باید عوامل آن را یافت و راه های ایجاد عدالت اجتماعی را پیمود. خانه را خراب نکنیم، باز سازی و پاک کاری کنیم. اکثر مشکلات ما ناشی از فقر فرهنگی و فقر اقتصادی است. این مشکلات برخاسته از افغانیت ما نیست.

سه: آیا معتقدید که حکومت ها در افغانستان جامع و یکپارچه عمل کرده اند و تبعیض، برتری طلبی نژادی، مذهبی، اجتماعی و زبانی و فرهنگی در افغانستان وجود نداشته و ندارد؟ (لطفا شرح دهید)

مهدوی: به هیچ عنوان. به عکس باور دارم که نظام های سیاسی در تاریخ افغانستان سهم بزرگی در تأسیس، ترویج و تکثیر بی عدالتی و عقب ماندگی افغانستان دارند. تبعیض و برتری طلبی نژادی و مذهبی و دیگر مصایب و مسایل هم وجود داشته و هم در حال حاضر وجود دارد. اما این مسایل می تواند مثلا در هزارستان هم وجود داشته باشد. در تاجیکستان هم وجود داشته باشد همانگونه که در پشتونستان بزرگ فعلی (افغانستان) هم وجود دارد. ما باید برای انسانیت مبارزه کنیم، برای ایجاد عدالت انسانی.

چهار: آیا معتقدید که حکومت ها در افغانستان تبعیض، برتری طلبی نژادی، مذهبی، اجتماعی و زبانی و فرهنگی را در برنامه خود داشته و شما با آن مخالفید و راه مبارزه با آن را تجزیه طلبی نمی دانید؟ (لطفا شرح دهید)

مهدوی: بله، حکومت ها عموما آنچنان بوده اند که شما می فرمائید اما به نظر من به جای تجزیه کردن باید به فکر انسانی کردن کشور باشیم. همانگونه که گفتم تاجیکستانی که فقیر و مورد تهدید هر روزه باشد می تواند بسیار بد تر و غیر عادلانه تر از وضعیت فعلی برای تاجیک ها باشد.

پنج: آیا معتقدید تجزیه طلبان عوامل کشور های دیگر، جاسوس و مزدور هستند؟ (لطفا شرح دهید)

مهدوی: به هیچ عنوان. تجزیه طلبان را هم آدم هائی مثل خودم می دانم که در تلاشند تا راه های برون رفت از بحران فعلی را جست و جو نمایند. اما آنان به نتیجه ای کاملا متضاد با یافته های من رسیده اند. این هم پذیرفتنی است و هم دموکراتیک. اتفاقا به صورت جدی آرزو دارم که امکانات لازم و فضای کافی برای فعالیت و تبلیغات در اختیار تجزیه طلبان هم قرار گیرد.

شش: آیا معتقدید تجزیه افغانستان امری ناممکن است؟ (لطفا شرح دهید)

مهدوی: خیر، هیچ امری ناممکن نیست، به ویژه در دنیای سیاست.

هفت: آیا مخالف تجزیه افغانستان هستید اما تجزیه افغانستان را دور از ذهن نمی دانید؟ در صورت تجزیه چه تغییرات جغرافیائی را در افغانستان فعلی و منطقه متصور هستید؟ (لطفا شرح دهید)

مهدوی: هم مخالف تجزیه افغانستان هستم و هم آنرا دور از ذهن می دانم و هم نمی خواهم در مورد اینکه اگر چنین شد جغرافیای آن چه خواهد بود صحبت کنم. من عاشق افغانستان با جغرافیای سیاسی فعلی اش هستم. این حق طبیعی من است که از صحبت کردن در مورد مسایلی که دوست ندارم اتفاق بیفتد خود داری کنم.

هشت: آیا معتقدید که با تجزیه افغانستان جنگ و نقض حقوق بشر برای تثبیت مرزها به وقوع می پیوندد؟ آیا معتقدید علی رغم ادامه دار بودن چندین دهه جنایات حاد علیه بشریت و زیان های غیر انسانی در افغانستان، هزینه ها و تلفات انسانی و غیر انسانی برای مبارزه و تغییر و اصلاح پایدار در افغانستان واحد، کمتر از تجزیه طلبی ست؟ (لطفا شرح دهید)

مهدوی: بله، به نظر من مخارج انسانی کردن افغانستان بسیار کمتر از مصارف و مخارج انسانی کردن چهار کشور تازه تأسیس است. همه مظالم و بی عدالتی ها یا از روی اجبار است یا از روی حرص و طمع. در هر دو حالت و در نگرش فلسفی به قدرت، برای رهائی از این مظالم و مصایب کاری جز انسانی کردن قدرت و نظام سیاسی نمی توان کرد. اتفاقا دموکراسی و گفتمان های مدرن سیاسی معاصر نیز زمانی می توانند تبلور واقعی بیابند که انسانیت محور قدرت سیاسی قرار گیرد.